

## تبیین سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران

اورانوس تاج‌الدینی | محمد اعظمی | علی سادات موسوی

### چکیده

**هدف:** تبیین سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران و ارائه الگوی تجربی در آن. **روش / رویکرد پژوهش:** در این پیمایش از تمامی اعضای هیأت علمی علوم انسانی در دانشگاه‌های سراسر کشور نظرسنجی شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه پژوهشگرساخته‌ای بود که براساس مدل ترجمان دانش انستیتو ناتوانی و بازتوانی امریکا تنظیم شد. برای مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعیین رابطه علی بین متغیرها و ارائه الگوی مناسب از نرم‌افزار Lisrel 8.8 و SPSS18 استفاده شد.

**یافته‌ها:** در مجموع، ۷۳/۴٪ از اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی وضعیت فرایند تبدیل ایده به پدیده را ضعیف و فقط ۳/۴٪ ترجمان دانش در این حوزه را خوب ارزیابی کرده‌اند. رویکرد معادلات ساختاری نشان داد که مؤلفه‌های مذکور بر حوزه ترجمان دانش در علوم انسانی ایران تأثیر گذاشته است؛ بنابراین، ترجمان دانش در این حوزه نیز قابلیت اجرا شدن دارد.

**نتیجه‌گیری:** تبدیل ایده به پدیده تسریع‌کننده چرخه دانش و سبب تسریع کاربردی کردن یافته‌های پژوهشی خواهد شد. توجه به علوم انسانی و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، تکامل کرسی‌های نظریه‌پردازی و تکمیل فرایند تبدیل ایده به پدیده را در پی خواهد داشت.

#### کلیدواژه‌ها

یافته‌های پژوهشی، ترجمان دانش، علوم انسانی، کاربرد دانش،

عملیاتی‌سازی پژوهش

## تبیین سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران

اورانوس تاج‌الدینی<sup>۱</sup>

محمد اعظمی<sup>۲</sup>

علی سادات موسوی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۱

### مقدمه

در سال‌های اخیر، بهره‌وری منابع انسانی در سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی بخشی از بهره‌وری کارهای دانشی به‌شمار می‌رود و مدیریت منابع انسانی با کارهای دانشی پیوند یافته است؛ زیرا دانش عمدتاً به افراد وابسته است (سودساواد، ۲۰۰۷). اما از سوی دیگر، استهلاک سریع دانش و ضرورت نوآوری در آن نوعی ناایمنی در کارهای دانشی ایجاد کرده و تحولات مداوم در عرصه علم و نوآوری باعث شده است دانسته‌ها و یادگرفته‌ها پس از مدتی ارزش خود را از دست بدهند. به همین دلیل، مدیریت دانش در اقتصاد دانش‌محور کنونی به موضوعی مهم در محافل علمی و حوزه‌های کاربردی تبدیل شده است.

اهمیت انتقال دانش و استفاده از نتایج پژوهش برای تصمیم‌گیران در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت رو به افزایش است چنان‌که توسعه دانایی محور جزء ارکان چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور قرار گرفته است (پورنقی و نعمتی انارکی، ۱۳۹۳). در این راستا، ترجمان دانش به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی و هسته مدیریت دانش توسط برخی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است (لانگر، ۲۰۰۰). بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که ترجمان دانش، به‌خصوص در عصر حاضر که سازمان‌ها باید با استفاده از نتایج پژوهش‌ها علم را به عمل تبدیل کنند تا در فضای رقابتی باقی بمانند، بسیار اهمیت دارد. ترجمان دانش تولیدشده، و به‌معنای اخص تر تبدیل

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

tajedini.o@gmail.com

۲. استادیار مرکز تحقیقات انفورماتیک پزشکی، پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان  
mohammadaazami14@gmail.com

۳. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان (نویسنده مسئول)  
moosavi56@gmail.com

4. Sudsawad

5. Langer

ایده به پدیده، به معنای تطبیق و ساده‌سازی یافته‌های پژوهشی به شکل قابل استفاده برای جامعه هدف است که لازمه آن شناخت بسترهای موجود و درک نیازها، علائق، اهداف، و حتی شیوه تفکر کاربران است. ترجمه ایده‌ها به پدیده و عمل ایده‌ای جدید نیست و مدت طولانی است که مورد توجه محافل تولید علم قرار گرفته، اما طی دو دهه گذشته توجه بیشتری را به خود جلب کرده است (سالمی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). بدیهی است که دانشگاه‌ها با فعالیت‌های مشاوره‌ای، آموزشی، و پژوهشی، سکانه‌دار پیاده‌سازی فرهنگ اشتراک، انتقال، و کاربرد دانش هستند. در میان علوم مختلف دانشگاهی، دستاوردهای رشته‌های علوم انسانی نقشی مهم ولی مسکوت در بدنه علمی کشور داشته‌اند.

در حوزه تبدیل ایده به پدیده به شکل نظری و در سال‌های اخیر به صورت عملی، پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است و پژوهشگران مختلفی برای کشف حلقه‌های موجود بین تولید دانش تا کاربرد عملی آن تلاش کرده‌اند.

تاج‌الدینی، باب‌الحوائجی، سادات‌موسوی (۱۳۹۳) در پژوهشی که به شیوه پژوهش زمینه‌ای<sup>۲</sup> با هدف بررسی نظرات پژوهشگران شاخص علوم انسانی کشور در مورد ترجمان دانش انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که از دیدگاه صاحب‌نظران علوم انسانی ایران ترجمان دانش در علوم انسانی در پنج حیطه تولید، انتقال، اشتراک، کاربرد دانش، و محیط پژوهش قابل تبیین است.

پورنقی و نعمتی انارکی (۱۳۹۳) با هدف شناسایی روند پژوهش در حوزه ترجمان دانش در پایگاه‌های اطلاعاتی (ساینس دایرکت، تیلور و فرانسیس، اریک، و امرالد) در دو حوزه پزشکی و غیرپزشکی نشان دادند که پایگاه اطلاعاتی ساینس دایرکت با ۱۱۵ اثر دارای بیشترین مطالب مرتبط با ترجمان دانش بود. همچنین با گذشت نزدیک به سه دهه مقاله‌های این حوزه همچنان روند صعودی داشته است. ترجمان دانش در حوزه پزشکی، موضوعات بیماری‌ها، سلامت، آموزش استانداردها، و پزشکی مبتنی بر شواهد و در حوزه غیرپزشکی، نظام‌های رایانه‌ای، آموزش، هستی‌شناسی و مدیریت دانش را شامل شده است.

تبیین دیدگاه‌ها و تجربه‌های دانشجویان در خصوص عملکرد پژوهشی و ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت دانشجویان در این زمینه پژوهشی بود که ثناگو، یوسفی‌پور، و مهستی جویباری (۱۳۹۱) به آن پرداختند و اذعان داشتند که دانشجویان خواهان همدلی و همراهی استادان و یادگیری فراتوانمندی بوده‌اند. پژوهش‌های

1. Salemi  
2. Grounded theory

تکراری و کاربردی نبودن آنها در جامعه سبب یأس دانشجویان جوان می‌شود و فرهنگ پژوهش در میان قشر جوان جامعه علمی نیاز به ارتقاء دارد.

فضلی (۱۳۹۰) فرایند ترجمان دانش را در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در بین نمونه‌ای هدفمند متشکل از ۱۲۹ نفر از اعضای هیأت علمی، کتابداران، و دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در هفت دانشگاه علوم پزشکی کشور بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که بهره‌برداری صحیح از دانش و استفاده از نتایج پژوهش موجب عدم اتلاف بودجه و زمان است و سامان‌دهی پژوهش‌ها به نحوی که نتایج آنها در عملکرد علمی ذی‌نفعان پژوهش تبلور پیدا کند، حائز اهمیت است.

سالمی و همکاران (۱۳۸۹) موانع به‌کارگیری یافته‌های پژوهشی را در عملکرد بالینی مراکز درمانی کشور شناسایی و به چهار دسته تقسیم کردند: ۱) حیطه سازمانی، ۲) کیفیت پژوهش، ۳) آگاهی و مهارت پرستار، و ۴) موانع مربوط به دسترسی به نتایج پژوهش.

همچنین، نجات و همکاران (۱۳۸۷) ابزاری برای کاربردی کردن مدل ترجمه دانش طراحی کردند که امکان بررسی موانع انتقال دانش را در سطح سازمان‌های تولیدکننده دانش فراهم می‌کرد.

در خارج از کشور نیز لانه و روزرز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) با اعضای ارشد و مدیران شش سازمان ملی ترجمان دانش مصاحبه کردند و به این نتیجه دست یافتند که همه این سازمان‌ها به زمینه‌های کاری و مورد علاقه اعضای خود اهمیت می‌دادند و برای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌های خود، علاقه‌مند به اشتراک یافته‌های پژوهشی سازمان خود با در نظر گرفتن تعهدات سازمانی بودند.

تانا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱) درباره نقش اشاعه‌گزینشی اطلاعات از طریق ایمیل آلرت<sup>۳</sup> در تبدیل دانش نظری به دانش عملی پژوهشی انجام دادند؛ اما، عدم معناداری ایمیل آلرت در امر ترجمان دانش را نشان دادند.

تتروه<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) تأثیر ترجمان دانش را بر اشاعه اطلاعات مربوط به ناتوانی و بازتوانی و استفاده از آن برای پیشبرد اقدامات عملی بررسی کرد و نشان داد که پژوهش‌های انجام‌شده یافته‌های مناسبی در اقدامات عملی این حوزه در پی داشته است.

تامپسون و دگنر<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) به عوامل مؤثر و موانع استفاده از یافته‌های پژوهشی پرداختند و نشان دادند که میزان تسلط و معلومات کاربران در زمینه موضوع پژوهش،

1. Lane & Rogers
2. Tanna
3. Email alert
4. Tetroe
5. Thompson & Degner

ارتباط میان پژوهشگران و کاربران، و کیفیت پژوهش‌ها به‌عنوان عوامل سازمانی مؤثر هستند؛ همچنین، عواملی چون بینش‌ها، میزان مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی، میزان درخواست اطلاعات و دانش، میزان تحصیلات، ویژگی‌های شخصیتی، عوامل اقتصادی اجتماعی، و در نهایت، ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌عنوان عوامل فردی تأثیرگذار در استفاده از یافته‌های پژوهشی هستند.

چنانچه ملاحظه می‌شود درباره ترجمان دانش و فرایند تبدیل ایده به پدیده و ابعاد مختلف آن پژوهش‌های اندکی صورت گرفته که بیشتر آنها در حیطه علوم پزشکی بوده و علوم انسانی مهجور مانده است. به همین دلیل، پژوهش حاضر درصدد برآمد تا برای پرسش‌های زیر پاسخی مناسب بیابد: (۱) آیا فرایند تبدیل ایده به پدیده در حوزه علوم انسانی قابل تبیین است؟ و (۲) الگوی تجربی مناسب آن کدام است؟

## روش‌شناسی

در پیمایش حاضر، برای تبیین روند تبدیل ایده به پدیده در حوزه علوم انسانی از یکی از مدل‌های ترجمان دانش ارائه‌شده توسط انستیتو ملی پژوهش‌های ناتوانی و بازتوانی امریکا (نایدورر)<sup>۱</sup> استفاده شد. با وجود مدل‌های مختلف موجود در ترجمان دانش، این مدل به‌علت جامعیت، گویایی، روزآمدی، و در عین حال سادگی به‌عنوان پشتوانه نظری پرسشنامه پژوهش انتخاب شد. اجزای اصلی این مدل به شرح زیر است (نایدورر، ۲۰۰۶):

منبع<sup>۲</sup>: خاستگاه اطلاعات پژوهشی،

محتوا<sup>۳</sup>: موضوعات اطلاعات پژوهشی،

زمینه<sup>۴</sup>: پیوند و ارتباط اطلاعات پژوهشی با سایر اطلاعات و محصولات،

محیط ارتباطی<sup>۵</sup>: نحوه دسترسی به اطلاعات پژوهشی، و

کاربر<sup>۶</sup>: استفاده‌کنندگان از اطلاعات پژوهشی.

هریک از اجزای اصلی این مدل دارای زیرمجموعه‌ها و عناصر فرعی هستند که در تصاویر ۱ تا ۶ به آن پرداخته شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه پژوهشگرساخته‌ای بوده که با توجه به مدل نایدورر (۲۰۰۶) طراحی شد.

به‌منظور اثبات وجود جریان تبدیل ایده به پدیده در حوزه علوم انسانی و تعیین رابطه علی بین متغیرهای پژوهش و ارائه الگوی مناسب از آن نیز از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری<sup>۷</sup> و نرم‌افزار Lisrel 8.8 و SPSS 18 استفاده شد.

1. National Institute on Disability and Rehabilitation Research (NIDRR)
2. Source
3. Content
4. Context
5. Medium
6. User
۷. مدل معادله ساختاری، ترکیبی از مدل‌های مسیر (روابط ساختاری) و مدل‌های عاملی تأییدی (روابط اندازه‌گیری) است که به‌عنوان روشی کمی به پژوهشگر یاری می‌رساند تا پژوهش خود را بر مبنای مطالعات نظری و تحلیل داده‌های تجربی در قالبی چندمتغیره سامان بخشد (بیکر، ۱۳۸۶).

جامعه آماری این پژوهش تمامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در گروه‌های آموزشی علوم انسانی سراسر کشور بودند؛ آمار آنها تا سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۱۰۴۶ نفر اعلام شده بود که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۰ نفر به دست آمد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا دانشگاه‌های موجود شناسایی و برای توزیع همگون افراد نمونه در دانشگاه‌های مختلف از فهرست رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران (۱۳۹۲) استفاده شد.<sup>۲</sup>

پرسشنامه تهیه‌شده بین شش نفر از اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی که در این حیطه صاحب‌نظر بودند توزیع و اصلاحات مورد نظر انجام شد؛ بنابراین، ابزار پژوهش از روایی صوری و محتوایی برخوردار شد. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای تعیین پایایی ابزار پژوهش ۸۹ درصد تعیین شد که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار پژوهش بود. پرسشنامه به صورت تصادفی با مراجعه حضوری یا از طریق پست الکترونیک در اختیار جامعه آماری قرار گرفت.

## یافته‌ها

### الف. شمای کلی از وضعیت موجود ترجمان دانش در علوم انسانی کشور

جدول ۱. شاخص کلی وضعیت اجزای مختلف مدل نایدر (۲۰۰۶)

| مؤلفه         | وضعیت        |              |              |
|---------------|--------------|--------------|--------------|
|               | ضعیف         | متوسط        | خوب          |
|               | درصد فراوانی | درصد فراوانی | درصد فراوانی |
| منبع پژوهش    | ۲۸/۲         | ۶۱/۸         | ۹/۵          |
| محتوای پژوهش  | ۱۸/۲         | ۵۶/۶         | ۲۰/۵         |
| زمینه پژوهش   | ۲۴/۵         | ۶۶/۳         | ۸/۲          |
| محیط ارتباطی  | ۳۰/۵         | ۴۶/۳         | ۲۲/۱         |
| کاربران پژوهش | ۳۰/۱         | ۵۸/۹         | ۱۰/۰         |
| ترجمان دانش   | ۷۳/۴         | ۲۲/۴         | ۳/۴          |

۱. دقیق‌ترین آمار مربوط به اعضای هیأت علمی متعلق به گروه‌های آموزشی علوم انسانی کشور مربوط به مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود.

۲. رتبه‌بندی حاضر براساس معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی مصوب ششمین نشست فوق‌العاده وزرای آموزش عالی و پژوهش‌های علمی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی در شهر جده عربستان سعودی بود. در این رتبه‌بندی، با توجه به وزن هر یک از شاخص‌ها، مجموع امتیازات هر یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی نرمال‌سازی شده و بالاترین امتیاز به‌عنوان رتبه اول با امتیاز ۱۰۰ مد نظر قرار گرفته است. سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات نیز بر همین اساس در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند (بایگه استنادی جهان اسلام، ۱۳۹۲).

مطابق جدول ۱، حدود ۲۸ درصد جامعه آماری وضعیت "منابع پژوهشی" را در ترجمان دانش ضعیف، ۶۱/۸ درصد متوسط، و ۹/۵ درصد آن را خوب ارزیابی کردند. همچنین، ۱۸/۲ درصد جامعه آماری وضعیت "محتوای پژوهشی" را در ترجمان دانش

ضعیف، ۵۶/۶ درصد متوسط، و ۲۰/۵ درصد خوب ارزیابی کردند. در مورد "زمینه پژوهش"، ۲۴/۲ درصد جامعه آماری وضعیت زمینه پژوهش را در ترجمان دانش ضعیف، ۶۶/۶ درصد متوسط، و ۸/۲ درصد خوب ارزیابی کردند. همچنین، ۳۰/۵ درصد از اعضای هیأت علمی علوم انسانی وضعیت "محیط ارتباطی" را در ترجمان دانش ضعیف، ۴۶/۳ درصد متوسط، و ۲۲/۱ درصد خوب ارزیابی کردند. در مورد "وضعیت کاربران"، ۳۰/۱ درصد جامعه آماری وضعیت کاربران را در ترجمان دانش ضعیف، ۵۸/۹ درصد متوسط، و ۱۰ درصد خوب ارزیابی کردند. به طور کلی، ۷۳/۴ درصد جامعه آماری وضعیت "ترجمان دانش" را ضعیف، ۲۲/۴ درصد متوسط، و ۳/۴ درصد آن را خوب ارزیابی کردند.

#### ب. تبیین الگوی تجربی ترجمان دانش در علوم انسانی کشور

رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و تبیین الگوی تجربی با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

| متغیرهای مستقل | منبع پژوهش | محتوای پژوهش | زمینه پژوهش | محیط ارتباطی | کاربران | ترجمان دانش |
|----------------|------------|--------------|-------------|--------------|---------|-------------|
| منبع پژوهش     | **۰/۱۶۳    |              | **۰/۱۶۱     | **۰/۱۷۵      | **۰/۱۳۹ | **۰/۱۶۴     |
| محتوای پژوهش   | **۰/۱۶۳    |              | **۰/۲۸۷     | **۰/۹۰۳      | **۰/۴۸۰ | **۰/۴۲۴     |
| زمینه پژوهش    | **۰/۱۶۱    | **۰/۲۸۷      |             | **۰/۱۹۸      | **۰/۶۰۴ | **۰/۳۹۷     |
| محیط ارتباطی   | **۰/۱۷۵    | **۰/۹۰۳      | **۰/۱۹۸     |              | **۰/۳۹۷ | **۰/۴۰۹     |
| کاربران        | **۰/۱۳۹    | **۰/۴۸۰      | **۰/۶۰۴     | **۰/۳۹۷      |         | **۰/۵۰۷     |
| متغیر وابسته   | **۰/۱۶۴    | **۰/۴۲۴      | **۰/۳۹۷     | **۰/۴۰۹      | **۰/۵۰۷ |             |

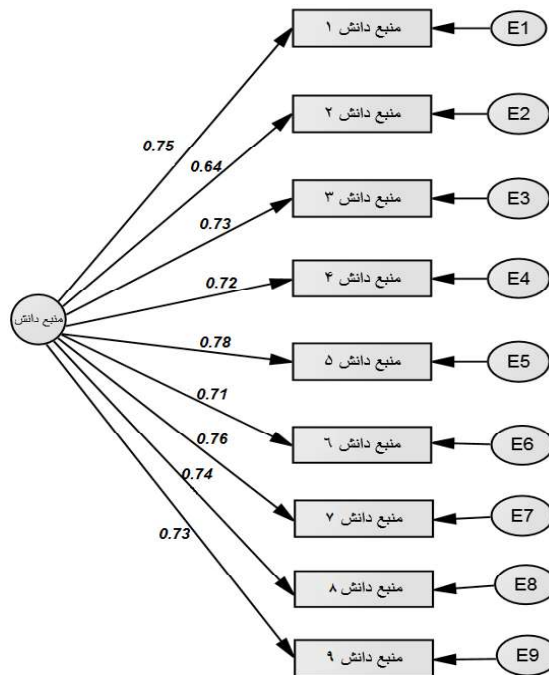
سطح معناداری  $p \leq 0.05$   $**p \leq 0.01$

برای اطمینان از امکان و صحت استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری لازم است ابتدا اطمینان حاصل شود که متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر پیش بینی کنندگی دارند. همان طور که جدول ۲ نشان می دهد بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته ضرایب

همبستگی مثبت و مستقیم (با سطح معناداری  $p \leq 0/01$ ) وجود داشت، این بدان معناست که با استفاده از متغیرهای مستقل می‌توان متغیر وابسته را پیش‌بینی نمود، پس امکان استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در این پژوهش وجود دارد.

### ج. ضریب تأثیر مؤلفه‌های پنجگانه بر فرایند تبدیل ایده به پدیده ۱. منبع پژوهش

نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر منبع پژوهش در تصویر ۱ نشان می‌دهد که از بین ۹ مقیاس فرعی در نظر گرفته‌شده (شامل فقدان صلاحیت علمی لازم در نویسندگان، پایین بودن اعتبار علمی مقالات، فقدان انگیزه کافی در پژوهشگران برای نوشتن مقالات علمی، اعتبار علمی نامناسب پایان‌نامه‌های تحصیلی، فقدان کاربرد عملی یافته‌های پژوهشی مقالات، فقدان کاربرد عملی یافته‌های پژوهشی در پایان‌نامه‌ها، چاپ مقالات صرفاً برای کسب رتبه علمی، سطحی بودن ترجمه‌ها، و فقدان مطالب دست اول در آثار منتشرشده)؛ فقدان کاربرد عملی یافته‌های پژوهشی مقالات ضریب همبستگی بالاتری (۰/۷۸) با "منبع پژوهش" داشت.

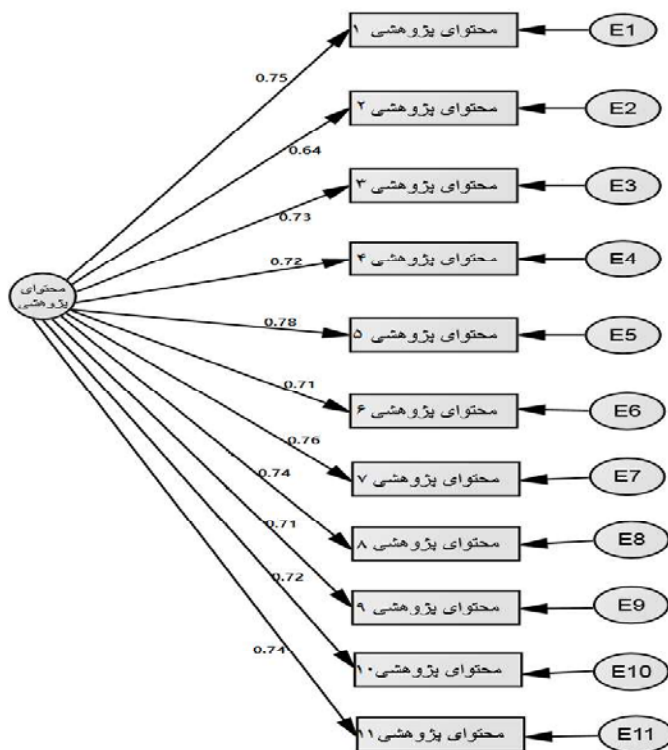


تصویر ۱. مدل عاملی تأییدی مرتبه اول منبع پژوهش (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)



## ۲. محتوای پژوهش

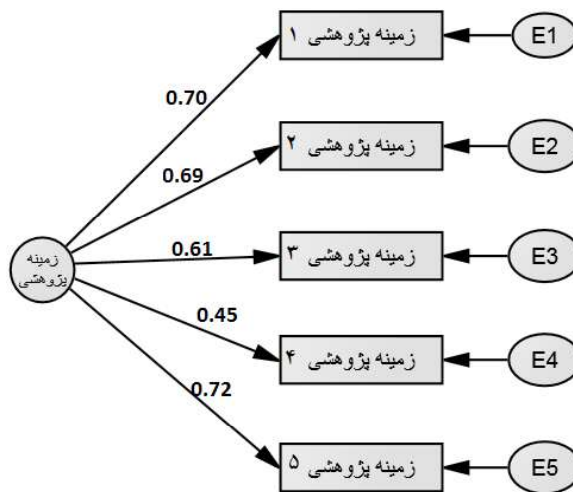
نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر محتوای پژوهش در تصویر ۲ نشان می‌دهد که از بین ۱۱ مقیاس فرعی در نظر گرفته‌شده (شامل تناسب روش انجام پژوهش‌ها با مسئله مورد پژوهش، قابل اعتماد بودن منابع اطلاعاتی از لحاظ محتوایی، عدم انطباق نتایج حاصل از پژوهش‌ها با واقعیات موجود، عدم ارتباط محتوای پژوهش‌ها با مسائل مورد پژوهش، عدم ارزش علمی محتوای مقالات چاپ‌شده، عدم درک محتوای پژوهش‌های چاپ‌شده از سوی کاربران، عدم اثربخشی مقالات چاپ‌شده، وجود قرابت محتوای پژوهش‌ها با آثار قبلی، عدم تلاش پژوهشگران در نوشتن مطالب با محتوای کاربردی و جدید، عدم تأثیر مقالات چاپ‌شده در ارتقای علم، و عدم استفاده پژوهشگران از منابع دست اول هنگام تهیه متون علمی)؛ عدم ارزش علمی محتوای مقالات چاپ‌شده ضریب همبستگی بالاتری (۰/۷۸) با متغیر "محتوای پژوهش" داشت.



تصویر ۲. مدل تأییدی مرتبه اول محتوای پژوهش (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)

### ۳. زمینه پژوهش

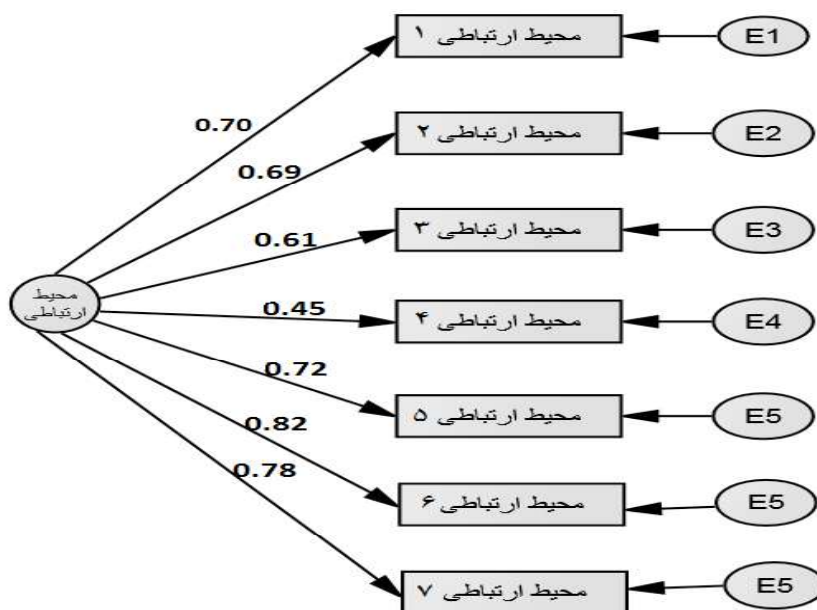
نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر زمینه پژوهش در تصویر ۳ نشان می‌دهد که از بین ۵ مقیاس فرعی در نظر گرفته شده (شامل عدم تمایل پژوهشگران به انجام پژوهش‌های گروهی، استندهای نامناسب پژوهشگران به سایر منابع علمی، استفاده نکردن پژوهشگران از منابع و پایگاه‌های الکترونیکی، عدم استناد پژوهشگران به منابع الکترونیکی، و بی‌تمایلی پژوهشگران به استفاده از منابع پژوهشی رقیبان خود)؛ بی‌میلی پژوهشگران به استفاده از منابع پژوهشی رقیبان خود ضریب همبستگی بالاتری (۰/۷۲) با متغیر "زمینه پژوهش" داشت.



تصویر ۳. مدل تأییدی مرتبه اول زمینه پژوهش (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)

### ۴. محیط پژوهش

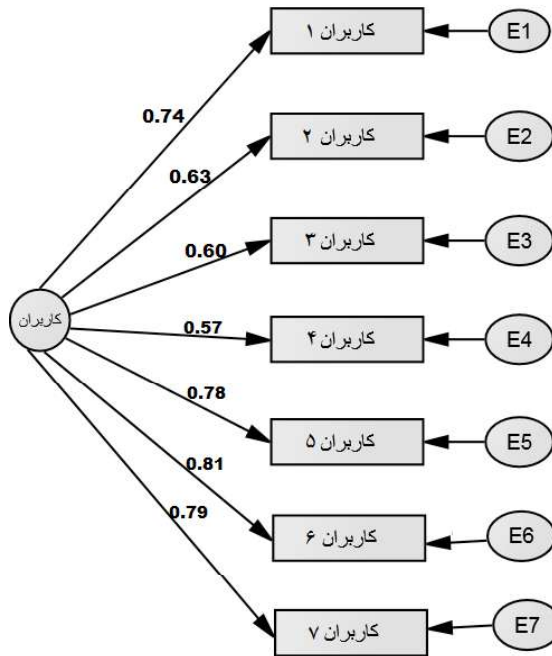
نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر محیط پژوهش در تصویر ۴ نشان می‌دهد که از بین ۷ مقیاس فرعی (شامل سهولت دستیابی به آثار منتشر شده، امکان دسترسی تمام‌متن به آثار منتشر شده در محیط اینترنت، امکان دستیابی رایگان به آثار منتشر شده در محیط اینترنت، ۴. امکان دستیابی به آثار به صورت چاپی، آگاهی از آثار منتشر شده از طریق نظام‌های آگاهی‌رسانی جاری، سهولت دستیابی به آثار منتشر شده در زبان‌های دیگر، و امکان برقراری ارتباط دوسویه با نویسندگان آثار)؛ سهولت دستیابی به آثار منتشر شده در زبان‌های دیگر ضریب همبستگی بالاتری (۰/۸۲) با متغیر "محیط پژوهش" داشت.



تصویر ۴. مدل تأییدی مرتبه اول محیط ارتباطی (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)

## ۵. کاربرد

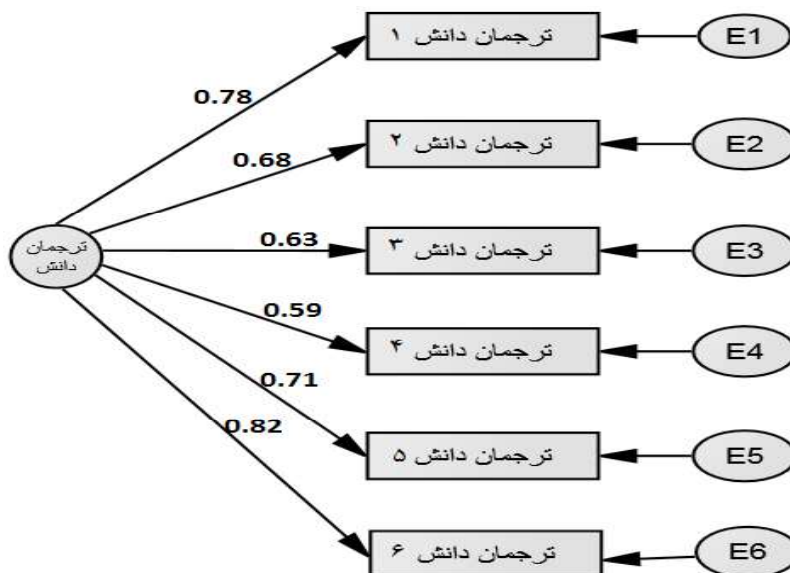
نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر کاربرد در تصویر ۵ نشان می‌دهد که از بین ۸ مقیاس فرعی (شامل دسترسی پژوهشگران/ کاربران به منابع لاتین، روزآمدی منابع علمی به لحاظ محتوایی، وجود منابع دسته اول در رشته‌های علمی، آشنایی پژوهشگران/ کاربران با چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی، دسترسی مناسب پژوهشگران/ کاربران به منابع الکترونیک، کاربردی بودن کتاب‌های جدید تألیف‌شده، رفع نیازهای آموزشی پژوهشگران/ کاربران توسط منابع اطلاعاتی موجود، و کاربردی بودن کتاب‌های جدید ترجمه‌شده): رفع نیازهای آموزشی کاربران توسط منابع اطلاعاتی موجود ضریب همبستگی بالاتری (۰/۸۱) با متغیر "کاربر" داشت.



تصویر ۵. مدل تأییدی مرتبه اول برای متغیر کاربر (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)

#### ۶. ترجمان دانش

نتایج مدل عاملی تأییدی برای متغیر ترجمان دانش در نمودار ۶ نشان می‌دهد که از بین ۶ مقیاس فرعی در نظر گرفته‌شده (شامل قابل رؤیت بودن محصولات علمی در علوم انسانی، کاربردی بودن علوم انسانی در جامعه، سودمندی عملی پژوهش‌های انجام‌شده در علوم انسانی، دارا بودن نتایج کاربردی برای پایان‌نامه‌های تدوین‌شده علوم انسانی، استفاده از نتایج مقالات منتشرشده در علوم انسانی در دنیای واقعی، و توجه به تبدیل علم به محصول در علوم انسانی)؛ توجه به تبدیل علم به محصول در علوم انسانی ضریب همبستگی بالاتری (۰/۸۲) با متغیر "ترجمان دانش" داشت.



تصویر ۶. مدل عاملی تأییدی مرتبه اول ترجمان دانش (خطای اندازه‌گیری نرم‌افزاری = E)

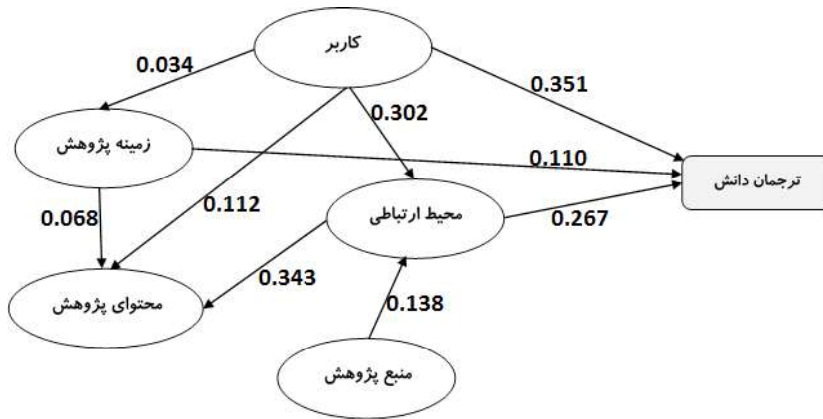
جدول ۳ تحلیل واریانس و رگرسیون Y (ترجمان دانش) و متغیرهای مستقل (منبع پژوهش، محتوای پژوهش، زمینه پژوهش، محیط ارتباطی، و کاربران) و ضریب همبستگی چندمتغیری و مجذور آن را نشان می‌دهد.

جدول ۳. تحلیل واریانس و رگرسیون متغیرهای مستقل و وابسته

| منابع      | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | F     | سطح معناداری | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین |
|------------|--------------|------------|----------------|-------|--------------|----------------------|------------|
| رگرسیون    | ۱۷۰۱/۳۳۷     | ۵          | ۳۴۰/۲۶۷        | ۳۴/۷۳ | ۰/۰۰۰        | ۰/۵۷۷                | ۰/۳۳۳      |
| باقی‌مانده | ۳۴۰۹/۳۶۷     | ۳۴۸        | ۹/۷۹۷          |       |              |                      |            |
| کل         | ۵۱۱۰/۷۰۳     | ۳۵۳        |                |       |              |                      |            |

با توجه به خروجی حاصل از تحلیل رگرسیون، متغیرهای مستقل پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته (ترجمان دانش) بودند. مقدار نسبت F محاسبه‌شده (۳۴/۷۳) این رابطه معنادار را در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ تأیید کرد در نتیجه، امکان پیش‌بینی

متغیر ترجمان دانش توسط متغیرهای مستقل با بیش از ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد، بدین معنا که الگوی تجربی سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی با استفاده از مدل معادلات ساختاری قابل تبیین است. بنابراین، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نتایجی که در جدول ۳ منعکس شده است امکان استفاده از نرم‌افزار لیزرل برای به‌دست آوردن الگوی تجربی برگرفته از یافته‌های پژوهش به‌دست آمد (شکل ۷) که در آن میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر یکدیگر با توجه به ضریب استاندارد شده یا بتای حاصله در این الگو قابل مشاهده است.



تصویر ۷. الگوی تجربی ترجمان دانش و عوامل مؤثر بر آن

همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیر "کاربر" با بتای ۰/۳۵۱ بیشترین تأثیر را بر ترجمان دانش داشته و پس از آن، "محیط ارتباطی" پژوهش است که بیشترین تأثیر را نشان می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

اندیشه پرکردن شکاف میان پژوهش و سیاست حداقل از اواسط قرن بیستم مطرح شده است. در این زمان، دانشمندان علوم اجتماعی که تلاش می‌کردند استفاده از پژوهش‌ها را در عرصه سیاست‌گذاری تقویت کنند، به تدریج به فرایند تصمیم‌سازی توجه کردند (صدیقی و همکاران، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، پژوهش‌های پیشین بر علاقه‌مندی تصمیم‌گیرندگان برای به‌دست آوردن اطلاعات پژوهشی اذعان داشته‌اند (تاج‌الدینی، باب‌الحوادثی، و سادات موسوی، ۱۳۹۳). تبدیل ایده به پدیده، تسریع‌کننده

چرخه دانش در راستای تبدیل دانش به عمل و سرعت بخشی به کاربردی کردن نتایج تولیدات علمی است. دانش ابتدا در ذهن افراد تولید و با به اشتراک گذاری می تواند منشاء تولید علم عملی باشد. پژوهش در واقع حقیقت پژوهی است و حقیقت پژوهی نتیجه شناخت است و شناخت چراغ و راهنمایی برای بهبودخواهان است و این بهبودخواهی و بهینه سازی از نتایج عملی علوم انسانی در هر جامعه ای است. علوم انسانی نقشی اساسی و مهم در ایجاد تحول و بالندگی اندیشه، روان، و رفتار افراد دارد، اما هنگام پیش آمدن مباحث کاربردی و عملی در مهجوریت و انزوا قرار می گیرد. انزوای علمی که ماهیت انسان سازی دارند، آسیب های جبران ناپذیری را به بدنه درونی جامعه وارد می سازد. این آسیب های روانی و اجتماعی زمینه ساز بی سازمانی اجتماعی هستند و ارزش های محوری جامعه را به شکل مستمر و فزاینده ای مورد چالش قرار می دهند. ملت هایی که با حقیقت جویی آشنایی ندارند، نه تنها در مباحث نظری بلکه در پیشرفت های عملی نیز محکوم به فنا هستند. چنین مردمی به آسانی تسلیم بدآموزی ها و غیر حقیقی ها شده و نادانسته تسلیم ناراستی ها می شوند و آنها را به جای حقیقی ها و حقیقت ها می پندارند (ثناگو، یوسفی پور، و مهستی جویباری، ۱۳۹۱ به نقل از مصطفوی سبزواری، ۲۰۰۷).

در راستای بررسی وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی، ۶۰/۲ درصد از اعضای هیأت علمی علوم انسانی کشور عقیده داشتند که علوم انسانی در جامعه ما کاربردی نیست. بدیهی است که استفاده نکردن از این علوم به شکل کاربردی در جامعه سبب انفعال کنش های انسانی، روانی، و اجتماعی خواهد بود. توجه به علوم انسانی و پژوهش های انجام شده باعث رشد معنوی و تفکر بالنده درونی افکار جامعه و تشکیل و تکامل کرسی های نظریه پردازی هستند و استفاده از یافته های آنها تکامل فکری جامعه را در پی خواهد داشت. اعضای هیأت علمی رشته های علوم انسانی وضعیت سیر ایده به پدیده را در این علوم، ضعیف و فقط ۳/۴ درصد از آنها این وضعیت را خوب ارزیابی کردند. این نتیجه گیری هشدار دهنده است برای همه افرادی که در حوزه علوم انسانی دستی در تولید، انتقال، و اشتراک علم دارند. زیرا علم تولید می شود که تحلیل شود، حلقه تعامل میان پژوهشگران و استفاده کنندگان دانش کامل شود، و در رابطه ای متقابل میان پژوهشگر و کاربر به جریان افتاده و کاربرد یابد، نه آنکه فقط بر سینه کاغذ بنشیند.

یافته های این پژوهش حاکی از وجود و معناداری سیر ایده به پدیده در علوم انسانی است. این موضوع جای شعف دارد، اما متأسفانه در اثر بی توجهی متصدیان

I. Mostafavi Sabzevari



امور پژوهشی، علوم انسانی فرایندی بی‌رمق و کم‌نفس می‌نماید (تصویر ۶). این وضعیت ضعیف تشکیل گروه‌های هسته ترجمان دانش در گروه‌های علوم انسانی را می‌طلبد تا منظر عملی این علوم تقویت شود و محصولات علمی آنها تبلور و نمود یابد. این امر مستلزم مشارکت فعال و همه‌جانبه گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، و پژوهشگران این عرصه است. بنابراین، باید با توسعه جنبه‌های عملی علوم انسانی و ارائه نتایج قابل اجرا، تعدیل نگرش نخبگان، و تغییر ادراک عمومی به تقویت ابعاد کاربردی علوم انسانی پرداخت تا شاید در آینده با پیاده‌سازی آنها کاهش آسیب‌هایی به صورت انحراف، خطا، بی‌نظمی، و اختلال در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، معنوی، و اطلاعاتی در جامعه اتفاق افتد. لازمه تولید دانش شایسته کاربران، نشست و تعامل مداوم پژوهشگران و کاربران نهایی است. می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که از نخستین گام‌های تولید دانش، یعنی تعیین نیازهای کاربران، تعریف پرسشها و فرضیه‌های پژوهش، انتخاب روش، و در نهایت، انجام پژوهش مورد نظر باید به مرحله کمال آن، یعنی کاربرد یافته‌های حاصل از پژوهش، توجه داشت. دانش تولیدشده از پژوهش‌های فردی باید با دانش حاصل از سایر پژوهش‌های مرتبط ادغام و به صورت دانش یکپارچه درآید.

بررسی وضعیت منبع پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی حاکی از وضعیت نه‌چندان مطلوب منابع پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی کشور است. یعنی خاستگاه اطلاعات پژوهشی که در استفاده عملی از دانش تولیدشده و ایجاد دانش جدید نقش مهم و اساسی دارد در علوم انسانی کشور در حد متوسط رو به پایین است. با توجه به اینکه علوم انسانی کمتر مبتنی بر آزمایش است منابع پژوهشی در این علوم از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و احتمالاً عدم نظریه‌پردازی صحیح و کافی در علوم انسانی از دلایل بروز چنین نتایجی است. این وضعیت، زمینه‌ساز بروز معضلات آتی در استفاده عملی از این علوم خواهد بود. پرورش جامعه‌ای با توانمندی‌های شناختی و گرایش‌های تکامل‌یافته برای انجام پژوهش‌های کاربردی آرمان همه نظام‌های آموزشی و منابع علمی جهان است. بدیهی است که ایجاد تحول و جنبش ساختاریافته در این زمینه باید به صورت یک ضرورت و عزم ملی تلقی شود. سالمی و همکاران (۱۳۸۹) منابع پژوهشی حوزه پژوهش را مناسب، اما وقت جامعه پژوهشی را برای مطالعه منابع جدید ناکافی ارزیابی کرده‌اند. یزدی‌زاده و نجات (۱۳۸۸) نیز به منابع پژوهشی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ارتقای ترجمان دانش توجه کرده‌اند.



وضعیت "محتوای پژوهش" در ترجمان دانش علوم انسانی بیانگر آن است که امروزه محتوای منابع علمی حوزه علوم انسانی برای پژوهشگران این حوزه راضی‌کننده و معتبر نیست. پژوهشگران حوزه علوم انسانی محتوای منابع پژوهشی را به‌طور متوسط قابل اعتماد، ولی فاقد اثربخشی مناسب و کافی می‌دانند. آنها عقیده دارند که آثار علمی پژوهشگران در ارتقای علم مؤثر نیست. مبرهن است که حوزه علوم انسانی در خطر حالت تشدید چندگانگی به سر می‌برد؛ زیرا از یک سو، با وجود عقیده نخبگان کشور مبنی بر مهم و جهت‌دهنده بودن علوم انسانی، حمایت مورد انتظار از این حوزه صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر، سوءتفاهم‌هایی نظری متوجه علوم انسانی شده و جایگاه کاربردی و سرنوشت‌ساز علوم انسانی فراموش شده است (تاج‌الدینی، باب‌الحوائجی، سادات‌موسوی، ۱۳۹۳)؛ در این راستا، پژوهشگران و متصدیان علوم انسانی باید تلاش کنند محتوای آثار علمی این حوزه را از حالت صرف نظری خارج و در مسیر کاربردی یا در یک سطح خفیف‌تر در محتوای راهبردی هدایت سازند. بدیهی است که استقرار این نگرش زاینده پیامدها و وقایعی خواهد بود که به‌دنبال بروز مفهوم تبدیل ایده‌ها به پدیده آشکار می‌شوند. با توجه به اینکه ترجمان دانش در پاسخ به شکاف بین آنچه می‌دانیم و آنچه در عمل انجام می‌دهیم بروز می‌یابد هدف‌نهایی آن، تغییر و بهبود عملکرد در سطح فردی و سازمانی است.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان زمینه پژوهش مد نظر قرار گرفته پیوند و ارتباط اطلاعات پژوهشی با سایر اطلاعات و محصولات علمی است. بررسی وضعیت زمینه پژوهش در ترجمان دانش علوم انسانی، رواج تفکر اشتراک دانش در میان اهالی علوم انسانی کشور است که خود از مقدمات و مؤلفه‌های ترجمان دانش صحیح است. امروزه، دانش سازمانی به‌عنوان منبعی ناملموس بسیار ارزشمند برای کسب برتری رقابتی شناخته شده است (تصویر ۳). سازمان‌ها به مدیریت چنین دارایی نامحسوسی برای کسب و حفظ مزیت رقابتی سازمانی توجه کرده‌اند. استابروکز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود به تلاش برای بسترسازی مناسب برای اشتراک دانش اشاره دارند و بر این باورند که تأمین امنیت و حفظ حریم خصوصی کاربران به افزایش اعتماد و در نتیجه میزان به اشتراک‌گذاری دانش کمک می‌کند.

بررسی وضعیت محیط ارتباطی در ترجمان دانش علوم انسانی (که در این پژوهش، همان چگونگی در دسترس قرار گرفتن اطلاعات پژوهشی بود) نگرش مثبت جامعه پژوهش نسبت به محیط الکترونیک و دستیابی به اطلاعات علمی از

1. Estabrooks

طریق فناوری‌های نوین و شالوده‌های ناشی از آن را نشان می‌دهد (تصویر ۴). این امر نشانگر نفوذ دنیای مجازی و اطلاعات موجود در آن در علوم انسانی و ذهن پژوهشگران این حیطه است و آشتی این حوزه از علوم برای پاسخگویی به نیازهای ملموس جامعه را منعکس می‌سازد. این نکته نیز قابل بیان است که تغییر و تحول در جهان امروز به‌عنوان دنیای دانش‌بنیان، پیگیری و بررسی عوارض و جنبه‌های مثبت و منفی فناوری‌های نوین در عصر حاضر را به یکی از انتظارات از علوم انسانی بدل ساخته است. به‌طور کلی، در فرایند تبدیل ایده به پدیده، سه محور اصلی وجود دارد: شناسایی ذی‌نفعان، تدوین پیام پژوهش، و انتخاب راه مناسب برای انتقال پیام به مخاطبان. انتقال پیام صحیح و بجا به کاربران نهایی که پیام پژوهش گفته می‌شود گام آخر در این عرصه است و فقط در این صورت است که می‌توانیم به کاربردی شدن نتایج پژوهش‌ها امیدوار باشیم. نکته قابل تأمل اینکه دانیپورت و پروساک (۱۳۷۹) نیز مؤثرترین طریقه انتقال دانش را در بیشتر سازمان‌ها استفاده از فناوری پیشرفته یا جلسات رسمی تبادل اطلاعات نمی‌دانند، بلکه تماس‌های اجتماعی غیررسمی میان افراد که در محیط‌های کوچک و صمیمی رخ می‌دهد را مهم‌تر تلقی می‌کنند و سازمان‌ها را ناگزیر به تقویت سازوکارهای سستی تبادل اطلاعات و ایجاد هرچه بیشتر ارتباطات غیررسمی می‌دانند. همه این موارد نشان می‌دهد که با وجود همه گام‌های بلند فناورانه هنوز محمل‌های سستی و ارتباطات انسانی مهم‌ترین گزینه در تبادل، انتقال، و کاربرد دانش تلقی می‌شود.

بررسی وضعیت کاربران و استفاده مناسب و بهینه از اطلاعات پژوهشی نشان می‌دهد که در این زمینه آنچه امروز باید مد نظر قرار گیرد آرمان به‌کارگیری ایده‌ها و یافته‌های علوم انسانی برای کاربردی شدن است (تصویر ۵)؛ زیرا سیاست‌های مهندسی‌زدگی و توجه مطلق به علوم فنی، عالمانه، و آگاهانه در حال تضعیف علوم انسانی هستند. علوم انسانی در دنیای علوم امروز در یک مسابقه نابرابر قرار گرفته است که توجه به تولید علم با نتایج کاربردی به‌عنوان یک آرمان می‌تواند در افق آینده علوم انسانی ترسیم شود. بررسی پاسخ‌های رفتاری و تغییراتی که برحسب نوع مداخله در عملکرد مخاطبان دیده می‌شود، توانایی ایجاد محمل‌هایی مناسب را برای تکامل چرخه آرمانی پژوهش، یعنی تبدیل ایده به پدیده دارد. در این راستا، توجه به این نکته ضروری است که نیازهای واقعی جامعه از طریق کاربردی شدن نتایج پژوهشی به‌طور کامل برآورده نمی‌شوند (تصویر ۵) بنابراین، برای حرکت به سمت علمی نافع و کاربردی کردن یافته‌های پژوهشی در گام نخست شناسایی صحیح

ذی‌نفعان است. همان‌گونه که کوران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نیز عقیده دارد عامل مهم آمادگی کاربران برای تغییر دادن یا آزمایش یافته‌های جدید در صورت فراهم بودن تسهیلات است تا استفاده‌کنندگان بتوانند عملکرد خود را به‌روز کنند.

### مآخذ

پورنقی، رؤیا؛ نعمتی انارکی، لیلا (۱۳۹۳). روند پژوهش در حوزه ترجمان دانش. *دانش‌شناسی*، ۱ (۱)، ۵۲-۷۰.

تاج‌الدینی، اورانوس؛ باب‌الحوائجی، فهیمه؛ و سادات موسوی، علی (۱۳۹۳). صاحب‌نظران علوم انسانی ایران درباره ترجمان دانش چه می‌گویند؟ یک مطالعه کیفی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۷ (۱)، ۲۳-۴۲.

ثناگو، اکرم؛ یوسفی‌پور، محدثه؛ و مهستی جویباری، لیلا (۱۳۹۱). ترجمان دانش و کاربردی کردن تحقیقات (راهکاری جهت افزایش عملکرد پژوهشی دانشجویان علوم پزشکی). *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۱ (۱۱)، ۵۹-۶۹.

داونپورت، تامس. اچ.، و پروساک، لورنس. (۱۳۷۹). *مدیریت دانش* (حسین رحمان سرشت، مترجم). تهران: شرکت طراحی مهندسی و تأمین قطعات ایران خودرو داخلی (سایکو)، واحد آموزش.

سالمی، صدیقه؛ شکوهی، مصطفی؛ عیب‌پوش، ساناز؛ نجات، سحرناز؛ و کاشانی، هما. (۱۳۸۹). شناسایی موانع به‌کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی پرستاران مراکز درمانی کشور. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۶ (۱)، ۹-۱. بازیابی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲، از [http://journals.tums.ac.ir/upload\\_files/pdf/\\_/16168.pdf](http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/_/16168.pdf)

صدیقی، ژیلا؛ مجدزاده، سیدرضا؛ نجات، سحرناز؛ و غلامی، ژیلا (۱۳۸۷). *ترجمه دانش و بهره‌برداری از نتایج پژوهش*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تهران، اداره انتشارات.

فضلی، فرزانه (۱۳۹۰). *بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.  
نجات، سحرناز؛ آشورخانی، مهناز؛ غلامی، ژاله؛ و مجدزاده، سیدرضا (۱۳۸۸). آیا پژوهشگران تصور درستی از میزان فعالیت‌های ترجمه دانش خود دارند؟. *فصلنامه پایش*، ۸ (۴)، ۳۹۵-۴۰۰. بازیابی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲، از [http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_/pdf/54613883209.pdf](http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_/pdf/54613883209.pdf)

I. Curran

نجات، سحرناز؛ صدیقی، ژیلا؛ غلامی، ژاله؛ و مجدزاده، سیدرضا (۱۳۸۷). خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی (کاربردی کردن مدل "ترجمه دانش"). فصلنامه پایش، ۸ (۳)، ۲۶۸-۲۵۹. بازیابی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲، از [http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/54613870310.pdf](http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/54613870310.pdf)

یزدیزاده، بهاره؛ نجات، سیما. (۱۳۸۸). مداخله برای ارتقاء ترجمان دانش پژوهش: چرا و چگونه می‌توان بهره‌برداری دانش حاصل از پژوهش را از طریق مجلات علوم پزشکی افزایش داد؟. مجله نظریه‌پردازی در علوم پزشکی، ۳ (۳)، ۶۰-۶۴. دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲، در [http://journals.tums.ac.ir/upload\\_files/pdf/13690.pdf](http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/13690.pdf)

Curran, J. A. (2009). *Development of a knowledge exchange and utilization model for emergency practice*. Unpublished doctoral dissertation, Dalhousie University. Halifax, Nova Scotia. Retrieved March 30, 2013, from <http://hdl.handle.net/10222/12314>

Estabrooks, C. A., Thompson, D. S., Lovely, J. J. E., & Hofmeyer, A. (2006). A guide to knowledge translation theory. *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 6 (4), 25-36. Retrieved March 30, 2013, from <http://dx.doi.org/10.1002/chp.48>

Lane, J. P., Rogers, J. D. (2011). Engaging national organizations for knowledge translation: comparative case studies in knowledge value mapping. *Implementation Science*, 6, 106. Retrieved March 30, 2013, from <http://dx.doi.org/10.1186/1748-5908-6-106>

Langer, A. (2000). What are the links between research and policy? *Popul Briefs*, 6 (2), 41-59.

National Institute on Disability and Rehabilitation Research (2006). The research utilization support and help (RUSH) Project Research Utilization Fosters Movement from Innovation into Practice. Retrieved , from [www.researchutilization.org/learnru/welcome2ru/](http://www.researchutilization.org/learnru/welcome2ru/)

Salemi, S., Shokohi, M., Aybposh, S., Nedjat, S., & Kashani, H. (2010). Identify barriers to using research findings in clinical practice of nurses in health centers. *Iranian Journal of Epidemiology*, 6 (1), 1-9.

Sudsawad, P. (2007). *Knowledge translation: Introduction to models, strategies,*

- and measures. austin, TX. Southwest Educational Development Laboratory, National Center for the Dissemination of Disability Research. Retrieved March 30, 2013, from <http://www.ncddr.org/kt/products/ktintro/ktintro.pdf>
- Thompson, G. N., Degner, L. N. (2015). Clarifying the barriers in knowledge translation. *Journal of Advanced Nursing*, 71 (2), 512-538.
- Tanna, G. V., Sood, M. M., Schiff, J., Schwartz, D., & Naimark, D. M. (2011). Do e-mail alerts of new research increase knowledge translation? A “nephrology now”. *Academic Medicine*, 86 (1), 132-138.
- Tetroe, J. (2014). Knowledge translation at the canadian institutes of health research on dissemination for disability research. *Focus Technical Brief*, 9 (3), 35-43. Retrieved March 30, 2013, from [http://www.ktdrr.org/ktlibrary/articles\\_pubs/ncddrwork/focus/focus39](http://www.ktdrr.org/ktlibrary/articles_pubs/ncddrwork/focus/focus39)

#### استناد به این مقاله:

تاج‌الدینی، اورانوس؛ اعظمی، محمد؛ سادات موسوی، علی (۱۳۹۵). سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران: ارائه الگوی تجربی. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۷ (۴)، ۸۳-۱۰۴.